

Matching the historical Implication of Surah Hashr and the example of the prophet's civilized behavior with "The Palestinian Cause" - expulsion of non-native Jews

Hamed Habibi¹ 

Abstract

Undoubtedly, the Quran is the first-hand source of Islamic history, some of its words indicate history and some have historical implications in historiography. The present article is an interdisciplinary study in the field of Quran, history and international relations, with the method of describing, analyzing and applying the pattern of civilized behavior of the Prophet in "The Palestinian Cause". The goal is the objective function of Qur'an in the analytical-comparative study of the history of early Islam in the international case of "The Palestinian Cause". The main problem of the research is what is the civilizational model for the way the Islamic Ummah practices politics in facing the Palestine Cause, according to the Surah Hashr. The main hypothesis is that the objective themes, words, and parables of this chapter are about the mass expulsion of the Bani Nazir Jews from Medina. The root of the historical confrontation between Muslims and Jews and the legitimizing variable of Israel is underlying for the Messianic state. Therefore, in the paradigm of the international identity of the states, the program of the Islamic revolution for development of effectiveness of the Islamic nation along with civilized patience, as the underlying of the Mahdavi state, is required the expulsion and reverse migration of the non-native Jews of Palestine. In this surah, there are three macro narrative, including "the banishment and eternal humiliation of the Jews", "Muslims following God's command" and "the failure of the Jews due to trusting the hypocrites" with 15 historical references.

Keywords: Surah Hashr, Expulsion of the Jews, early history of Islam, Qur'an interpretation, Israel, The Palestinian Cause.

1. Corresponding Author: PhD student, Islamic history, theology and Islamic religions, Tehran, Iran. Hamed.Habibi@ut.ac.ir

Cite this Paper: Habibi, H . Matching the historical Implication of Surah Hashr and the example of the prophet's civilized behavior with "The Palestinian Cause" - expulsion of non-native Jews. Interdisciplinary studies of Islamic revolution civilization. , 7(2), 57-83.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



7

Vol. 2
Autumn 2023

Research Paper

Received:
22 March 2024

Revised:
08 April 2024

Accepted
07 September 2024

Published:
22 August 2024

P.P: 57-83

ISSN: 2980-8901
E-ISSN: 2821-1685





تطبیق دلالت تاریخی سوره حشر و الگوی رفتار تمدنی پیامبر (ص) با «قضیه فلسطین» اخراج یهودیان غیر بومی

۷

سال دوم
پاییز ۱۴۰۲

حامد حبیبی^۱ ID

چکیده

بدون تردید قرآن دست اول‌ترین منبع تاریخ اسلام است که برخی واژگان آن دال بر تاریخ و برخی در تاریخ‌نگاری دارای دلالت تاریخی هستند. مقاله حاضر مطالعه‌ای بینا رشته‌ای در حوزه قرآن، تاریخ و روابط بین‌الملل می‌باشد. هدف مطالعه کارکرد عینی قرآن در مطالعه تحلیلی تطبیقی مفاهیم نظری و مضامین عینی تاریخ صدر اسلام در مسائل روز دنیا و پرونده بین‌المللی «قضیه فلسطین» است. مسئله اصلی پژوهش چیستی الگوی تمدنی برای چگونگی سیاست و وزی امت اسلام در مواجهه با قضیه فلسطین با توجه به مدلول‌های متنی سوره حشر است. فرضیه اصلی این است که مضامین عینی، واژگان، مثل‌ها و تشبیهات این سوره در خصوص اخراج دسته جمعی یهودیان [غیر بومی] بنی‌نضیر از مدینه است. دلالت‌های تاریخی این سوره با روش گردآوری کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل جهت تطبیق الگوی رفتار تمدنی پیامبر در «قضیه فلسطین» احصاء گردید. ریشه‌درگیری تاریخی مسلمین و یهود و متغیر مشروعیت‌زای اسرائیل، منجی‌گرایی صهیونیسم و زمینه‌سازی برای دولت ماشیحانی است؛ لذا در پارادایم هویت بین‌المللی دولت‌ها، برنامه انقلاب اسلامی جهت توسعه فاعلیت امت اسلام همراه با صبر تمدنی، به عنوان زمینه‌ساز دولت کریمه مهدوی، لازمه اخراج و مهاجرت معکوس یهودیان صهیونیست غیر بومی فلسطین محسوب می‌شود. در این سوره سه کلان روایت تاریخی شامل «اخراج و ذلت ابدی یهودیان به دلیل مخالفت با خدا و پیامبر»، «پیروی مسلمانان از فرمان خدا» و «ناکامی یهودیان به خاطر اعتماد بر منافقان» با ۱۵ مدلول و اشاره تاریخی؛ تبیین شده است که براساس سنت‌های الهی، همین قواعد حاکم بر فلسفه تاریخ اجتماعی در خصوص زوال اسرائیل نیز در جریان است.

کلیدواژه‌ها: سوره حشر، اخراج یهود، تاریخ صدر اسلام، تفسیر قرآن، اسرائیل، قضیه فلسطین.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

صص: ۱۱۴-۸۵

شاپا چاپی: ۸۹۰۱-۲۹۸۰
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱



Hamed.Habibi@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری، تاریخ اسلام، الهیات و مذاهب اسلامی، تهران، ایران

استناد: حبیبی، حامد. تطبیق دلالت تاریخی سوره حشر و الگوی رفتار تمدنی پیامبر (ص) با «قضیه فلسطین» اخراج یهودیان غیر

بومی، (۳۷)، ۸۵-۱۱۴. DOR:

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License-CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

محور این پژوهش، بررسی دلالت‌های تاریخی آیات سوره حشر و تطبیق و اعتبار الگوی رفتار تمدنی پیامبر در قضیه فلسطین با قواعد فلسفه تاریخ اجتماعی می‌باشد. یعنی گزاره‌های تاریخی آیات که به صورت مستقیم یا ضمنی به یک واقعه تاریخی اشاره دارد و گزارشی از تاریخ ارائه می‌دهند، باید مورد مذاقه قرار گرفته و ابعاد و نقش تاریخی آن مورد بررسی قرار گیرد. در این نوع پژوهش دلالت‌های تاریخی سوره حشر می‌تواند از نوع دلالت‌های لفظی باشد که گسستگی تاریخی ندارد و تسلسل‌وار در حال وقوعند و از یک نقطه به سمت یک فرجام در حال وقوعند. واقعه حشر بنی‌نضیر یک نقطه تاریخی محسوب می‌شود که به سمت فرجام اسرائیل و صهیونیست در حال حرکت است. دلالت لفظی یعنی دلالت لفظ بر معنا، در صورتی که منشأ دلالت وضع واضح باشد، به گونه‌ای که به مجرد شنیدن لفظ، معنای آن به ذهن شنونده بیاید؛ بنابراین، دلالت لفظی منوط به علم به وضع است و بر سه گونه «مطابقی»، «تضمنی» و «الترامی» تقسیم بندی می‌شود.

بنابراین مسئله اصلی، چیستی الگوی تمدنی برای چگونگی سیاست ورزی امت اسلام در مواجهه با قضیه فلسطین با توجه به مدلول‌های متنی سوره حشر است. فرضیه اصلی این است که مضامین عینی و واژگان این سوره دارای دلالت‌هایی است که هم به رویدادها و تطورات تاریخی و هم به واژگان تاریخی و هم به مثل‌ها و تشبیهات تاریخی اشاره دارد که مبتنی بر ربوبیت الهی و اراده‌های انسانی و الوهیت و ولایت تاریخی نبی اکرم، الگوی تمدنی سیاست ورزی امروز امت اسلام است.

با توجه به این که یکی از شاخص‌های مهم تمدن نوین اسلامی و تکامل اجتماعی و یکی از گزاره‌های مهم وحدت آفرین در امت اسلام، صهیونیسم ستیزی و ازاله یهودیان غیر بومی فلسطین اشغالی و حمایت از مسلمانان مظلوم غزه و فلسطین است؛ ضرورت مطالعات بنیادین تاریخی و قرآنی و... درخصوص سیره پیامبر در مواجهه با یهودیان غیر بومی مدینه و شاخص‌های جامعه آرمانی نبی اکرم محسوس و اعتبار و الگوسازی این مدل رفتاری برای امروز امت اسلام حائز اهمیت می‌باشد.

بر اساس این معرفت‌شناسی سیاسی و نگرش فردگرایانه^۱ / جامعه‌شناسانه^۲ / ساخت‌گرایانه^۳ روابط بین الملل و مسائل راهبردی و سیاست خارجی اسرائیل و آمریکا را می‌توان فهم و تحلیل نمود. بر اساس این دیدگاه، روابط بین‌الملل و مسئله «هویت دولت‌ها» متأثر از اندیشه، باور و ساختار تاریخی جوامع و مردمان جوامع است. هویت اسرائیل، فلسطین، ایران، آمریکا و انگلیس در این پارادایم قابل فهم است.

پیشینه تحقیق

تفاسیر مختلفی از شیعه و اهل سنت مانند تفسیر قمی، جامع البیان، الکشف و البیان، مجمع البیان و... به بیان برخی نکات تاریخی این سوره پرداخته‌اند. مقاله‌ای هم با عنوان «نقد دیدگاه تاریخی مفسران در تفسیر عبارت لاول الحشر و ارتباط آن با یهود بنی‌نضیر» نگاشته شده است. لکن اولاً آثار اشاره شده، سیاقی که این مطالعه برای آیات سوره احضاء کرده را ندارند. ثانیاً دلالت‌های مختلف سوره را در کنار یکدیگر ندارند و به جزئیات تاریخی پرداخته‌اند. ثالثاً پیشینه رویداد آن‌گونه که در این مقاله بررسی شده، بررسی نشده است. رابعاً مطالعه تطبیقی با مسئله فلسطین و الگوسازی تمدنی با رویکرد فلسفه تاریخ اجتماعی صورت نگرفته است.

چارچوب مفهومی

۱. هویت مبتنی بر نقش دولت‌ها:

دولت‌ها بر اساس تعریفشان از خود و دیگری کنشگری می‌کنند (ونت، ۱۳۸۴: ۴۸۳). در هویت مبتنی بر نقش، دوست و دشمن به یک اندازه در شکل‌گیری هویت نقش دارند. (قوام، ۱۳۸۴: ۲۲۵) هویت ایران، آمریکا، اسرائیل و دول عربی در روابط بین‌الملل بر همین اساس تعریف می‌شود.

1. Atomism
2. collectivist
3. Constructivism

۲. تفسیر تاریخی:

یکی از روش‌های تفسیری قرآن است. یکی از قرائت‌های این روش تفسیری، تبیین و توضیح رویدادها و واژه‌های قرآنی با گرایش تاریخی و یا بررسی تاریخی واژه و سیر تطور دلالت کلام و بررسی مثل‌ها، تشبیهات و استعارات قرآنی است.

۳. فلسفه تاریخ اجتماعی:

امیرالمومنین (علیه السلام) می‌فرماید: «روزگار بر آیندگان چنان می‌گذرد که بر گذشتگان گذشت، آنچه گذشت باز نمی‌گردد، و آنچه هست جاویدان نخواهد ماند. پایان کارش با آغاز آن یکی است، ماجراها و رویدادهای آن همانند یکدیگرند، و نشانه‌های آن آشکار و دوش به دوش هم خودنمایی می‌کنند و هر یک دیگری را پشتیبان است». (شریف رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۵۶) همان‌طور که قرآن می‌فرماید سنت‌های گذشته تاریخ، امروز نیز جاری است: «لَتَرَکِبَنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ». (انشقاق، ۱۹؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴۵)

تکامل روابط انسان با خدای متعال، مبدأ و محور تکامل اجتماعی و تمدنی است. لذا در بررسی مرزبندی‌های فراگیر درون تاریخی و ریشه‌های تحولات و تطورات تاریخی جوامع اسلام و یهود جهت علم به شدن جوامع، باید قوانین تعلیلی و عقلی حاکم بر این تطورات را مبتنی بر مبادی دین (مانند قرآن و سنت و حدیث) کشف نمود و شناخت. زیرا مقوم آن یک مرحله خاص از تاریخ نیست، بلکه علم به یک جریان است که از گذشته آغاز شده و می‌تواند در حال و آینده هم ادامه داشته باشد. (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲: ۳۷۴)

روش تحقیق

این مقاله با رویکرد ترکیبی قیاس استقراء و با روش توصیف و تحلیل گزاره‌های تاریخی و تطبیق آن با گزاره‌های درون متنی و مضامین عینی سوره حشر، دلالت‌های تاریخی این سوره را مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهد و با کشف قوانین تعلیلی تاریخ به کارکرد عینی آن در جوامع امروزی می‌پردازد. این روش امکان درک بهتر وضعیت جاری را میسر می‌کند. همچنین معانی که انسان‌ها به وقایع تاریخ بخشیده‌اند درک می‌شود. در واقع معانی رفتار انسان‌ها بر محور تعالیم دینی

و مسائل کلامی مورد بررسی و کشف قرار خواهد گرفت و اجتماع بشری در تاریخ از منظر قرآن و روایات بررسی خواهد شد.

سوره‌شناسی

۱. شان نزول سوره

مفسران و محدثان و ارباب تواریخ، در مورد این آیات، شأن نزول مفصلی ذکر کرده‌اند که فشرده آن چنین است:

سوره حشر پیرامون اخراج یهودیان بنی‌نضیر از مدینه نازل شد. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۱۹) با هجرت پیامبر به مدینه، یهودیان بنی‌نضیر نیز با پیامبر پیمان صلح بستند که در جنگ‌ها نه له و نه علیه پیامبر باشند؛ پیامبر نیز پذیرفت. بعد از پیروزی پیامبر در روز بدر، یهودیان گفتند به خدا قسم صفات پیامبر را در تورات یافته‌ایم. اما با فرار مسلمین در غزوه احد، نقض پیمان کردند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۶).

از مهم‌ترین توطئه‌های آن‌ها علیه پیامبر (ص) می‌توان به این موارد اشاره نمود: (ر.ک: مکارم، ۱۳۸۵: ۴۳۸-۴۴۰)

۱. پیمان اتحاد کعب بن اشرف (بزرگ یهود) با ابوسفیان جهت نابودی حضرت محمد (ص) پس از جنگ احد.

۲. توطئه عمرو بن جحاش از یهودیان قبیله بنی‌نضیر جهت کشتن آن حضرت با استفاده از سنگ.

۳. سرودن شعرهای هجو و بدگوئی علیه پیامبر از جانب شعرای بنی‌نضیر. (ر.ک: واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۸۴؛ ابن‌سعد، ۱۹۶۸، ج ۲: ۲۸-۲۹)

مسلمین در تقابل با این توطئه‌ها قلعه مستحکم یهودیان را محاصره و پس از چند روز وادار به تسلیم نموده و بدون جنگ و خونریزی پیروز شدند. اموال و اراضی و باغات و خانه‌های آن‌ها نیز به دست مسلمین افتاد.

۲. نسب و خاستگاه بنی نضیر

یعقوبی معتقد است بنی نضیر طایفه‌ای از قبیله جذام هستند که یهودی شده و در کوه نضیر اقامت گزیدند و بعدها نیز به نام همین کوه خوانده شدند. (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۴۹) برخی منابع دیگر آنان را گروهی از یهود از فرزندان هارون بن عمران (برادر حضرت موسی) می‌داند. (اصفهانی، بی تا، ج ۲۲: ۱۱۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸: ۲)

۳. عنوان تاریخی سوره

ابن عباس این سوره را سوره بنی نضیر می‌نامید. به این دلیل که در آیه دوم از حشر و اجلاء بنی نضیر یعنی اجتماع یهود برای کوچ کردن از مدینه، و یا گرد آمدن مسلمانان برای بیرون راندن یهودیان «بنی نضیر» سخن گفته شده است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۷-۳۸۶)

یهودیان بنی نضیر بخاطر نقض پیمانی که با مسلمین بسته بودند محکوم به جلای وطن شدند. سبب نقض عهدشان این بود که منافقان به ایشان وعده دادند که اگر نقض عهد کنید ما شما را یاری می‌کنیم، اما منافقین به وعده‌ای که دادند وفا ننمودند.

۴. مکان رویداد تاریخی حشر (پیوست شماره یک و دو)

سعید بن جبیر از قول ابن عباس می‌گوید: آن‌ها گروهی از یهود از فرزندان هارون (ع) بودند که در فتنه‌های بنی اسرائیل در مدینه اردو زدند و منتظر محمد (ص) بودند. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸: ۲)

به گفته مفسران و محدثان و ارباب تواریخ، ماجرای حشر بنی نضیر در مدینه اتفاق افتاد. (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۵۸؛ مراغی، بی تا، ج ۲۸: ۳۳)

۵. زمان رویداد تاریخی حشر

بین جنگ بدر تا جنگ احد حدود دوازده ماه و نیم الی سیزده ماه فاصله می‌باشد، و مبتنی بر اختلاف زمانی که ارباب تواریخ نقل نمودند، وقوع غزوه بنی نضیر را باید حدوداً در ربیع الاول سال سوم یا چهارم هجری دانست. (ر.ک: ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲: ۱۲؛ ص ۳۶؛ ص ۹۵)

ابن هشام، ابن سعد و واقدی وقوع غزوه بنی نضیر را در ماه ربیع الاول (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۱) سال چهارم هجری (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲، ص ۵۷) و در آغاز سی و هفتمین ماه از هجرت

پیامبر می‌دانند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۶۳) که حدود شش ماه بعد از جنگ احد می‌شود و به گفته محمد بن اسحاق نزدیک تر است.

هویت تاریخی یهودیان و مسلمانان / پیشینه رویداد، انگیزه و علل

به دنبال جنگ‌ها و فتنه‌هایی که برای بنی اسرائیل واقع شد، (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸: ۲) و مشخصاً جنگ رومیان با یهود (۷۰ میلادی)، بنی‌نضیر نیز مانند دیگر قبایل یهود به حجاز گریختند و در بطنحان از نواحی مدینه ساکن شدند. (اصفهانی، بی تا، ج ۲۲: ۱۱۳؛ حموی، ۱۹۹۵، ج ۵، ص ۲۹۰) ابن سعد منزلگاه آنان را ناحیه الغرس ذکر کرده است. (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲، ص ۵۷) آنان پس از وفات حضرت موسی (ع) و پیش از مهاجرت قبایل عرب اوس و خزرج به سبب سیل عرم به یثرب، در آن ناحیه ساکن شده بودند (اصفهانی، بی تا، ج ۲۲: ۱۱۱).

هنگامه ظهور اسلام در «مدینه» سه گروه «بنی‌نضیر»، «بنی‌قریظه» و «بنی‌قینقاع» از یهود سکنی گزیدند که هیچیک اهل «حجاز» نبودند. یهودیان در کتب مذهبی خود خوانده بودند که پیامبری از سرزمین «مدینه» ظهور می‌کند. علت کوچ یهودیان به مدینه این بود که در انتظار این ظهور بزرگ، بودند. هنگامی که رسول خدا (ص) به «مدینه» هجرت فرمود با آنها پیمان عدم تعرض بست، ولی آنها هر زمان فرصتی یافتند از نقض این پیمان، فروگذار نکردند (مکارم، ۱۳۸۵: ۴۳۸؛ ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸: ۲).

طبق شواهد قرآن کریم (ر.ک: اعراف، ۱۵۷؛ بقره، ۱۴۶؛ انعام، ۲۰) به عنوان سند دست اول تاریخ اسلام و قرائن ارباب سیر و تواریخ (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۱۱ - ۲۱۴؛ ص ۵۴۱؛ ص ۵۴۷؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۰۲؛ ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۱: ۱۵۸ - ۱۶۰) یهودیان اطلاعات دقیقی از پیامبر آخرالزمان و موقعیت جغرافیایی پایتخت حکومت داشتند و لذا به مدینه هجرت نمودند. گزاره‌های کتاب مقدس نیز این فرضیه را تقویت می‌کند. مکان ظهور پیامبر موعود در کتاب مقدس، کوه فاران است. (ر.ک: کتاب مقدس، سفر تثنیه، ۳۳، ۲؛ ۲۱ - ۲۲؛ حقوق نبی، ۳، ۲ - ۴) کوه فاران دقیقاً همان منطقه‌ای است که اسماعیل (ع) در آن بزرگ شده است. (ر.ک: کتاب مقدس، سفر پیدایش، ۲۱، ۲۱) اما یهودیان به حوالی کوه فاران کوچ نکردند و در مدینه سکنی گزیدند.

قرآن به انتظار یهودیان حجاز و اعتقاد آنان بر فتح و پیروزی در معیت پیامبر موعود آخرالزمان اشاره کرده است (ر.ک: بقره، ۸۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج: ۱، ۲۲۳). ساموئل (داناترین دانشمند یهودی حجاز) نیز به آنان گفته بود که پیامبر خدا از بنی اسماعیل است نه بنی اسرائیل! (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج: ۱، ۱۵۹) یهودیان پیش از ظهور پیامبر، اوصافش را به کودکان خود آموزش می دادند. (ر.ک: ابن سعد، ۱۹۶۸، ج: ۱، ۱۶۰) اما بسیاری از یهودیان حجاز به پیامبر ایمان نیاوردند و او را کتمان کردند. (ر.ک: بقره، ۱۵۹؛ انعام، ۹۱؛ ابن سعد، ۱۹۶۸، ج: ۱، ۱۵۹) این عدم ایمان با کوچ نکردن به اطراف فاران در ارتباط است. منابع علت ایمان نیاوردن یهودیان را حسد و بغی بیان کرده اند. (ر.ک: بقره، ۸۹ - ۹۱؛ ابن هشام، ۱۳۷۵، ج: ۱، ۲۱۲؛ ابن سعد، ۱۹۶۸، ج: ۱، ۱۶۰) آنان بر یهودیت خود اصرار داشتند و به این نژاد و دین تکبر می کردند. (ر.ک: بقره، ۹۱؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج: ۲، ۵۰۲) برخی شواهد نشان می دهد که یهودیان حجاز قبل از بعثت نسبت به عواقب و پیامدهای مخالفت با پیامبر موعود، اطلاع دقیق داشتند.^۱ حتی می دانستند در این صورت هلاک خواهند شد و در مدینه آسایش و امنیت و اقامت هم نخواهند داشت (واقدی، ۱۴۰۹، ج: ۲، ۴۵۷-۴۵۶) و هلاکت یهود به واسطه پیامبر صورت می گیرد و نبوت از بنی اسرائیل تا قیامت گرفته خواهد شد. (ر.ک: اصفهانی، بی تا، ج: ۶، ۳۶۶-۳۶۷) لذا یهودیان با اطلاع از ولادت و بعثت پیامبر در مکه به دیدار و یاری او که به ظفر و پیروزی در رکابش دل خوش داشتند، نشتافتند. در آخر هم یهودیان غیر بومی مدینه از مدینه اخراج می شوند.

لذا اشعای نبی به یهودیانی که در مدینه و جزیره العرب اردو می زنند توصیه می کند از کسانی که از جنگ [در مکه] فرار کرده اند استقبال نمایند. (ر.ک: کتاب مقدس، اشعیا، ۲۱، ۱۳-۱۵) این پیشینه (و انگیزه و علل آن) را می توان به عنوان یکی از قوانین حاکم بر تحولات و تطورات تاریخی مسلمانان و یهودیان تلقی نمود. یعنی تطورات تاریخی گذشته همواره بر تحولات آینده بشریت اثرگذار است و آنچه امروز در غزه و فلسطین اشغالی به عنوان بزرگترین فاجعه انسانی در حال رخ دادن است نیز از این تطورات گذشته تبعیت می کند. این نگاه فلسفی می تواند در جامعه شناسی تاریخی نیز راه گشا باشد.

۱. عواقبی مانند قتل باغی و اسارت زن و فرزندانشان (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج: ۱، ۲۱۴؛ ابن سعد، ۱۹۶۸، ج: ۱، ۱۶۱-۱۶۰)؛ گرفتاری و خونریزی (واقدی، ۱۴۰۹، ج: ۲، ۵۰۶).

بررسی دلالت‌های تاریخی آیات

۱. ذلت یهودیان به دلیل مخالفت خدا و پیامبر؛ اخراج یهودیان

۱/۱. اخراج بنی‌نضیر از مدینه

«هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ»

اوست کسی که از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج از مدینه بیرون کرد.

حشر به معنای جمع شدن مردم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۵) و اخراج و راندن معنای کنایه‌ای جمع کردن و لازم آن است. در اقرب الموارد آمده: «حَشَرَ الْجَمْعُ: أَخْرَجَهُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ». (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۴۶) این حشر در خصوص یهودیان پیمان شکن مدینه است. عبارت «لاول الحشر» قرینه‌ای در متن آیه است که نشان می‌دهد این آیه بر اخراج بنی‌نضیر از مدینه اشاره دارد. زیرا اولین گروه از اهل کتاب که از مدینه حشر شدند، بنی‌نضیر بودند و این اولین حشر از مدینه در تاریخ اسلام است. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۶۸-۲۶۹)

یهودیان به پیامبر گفتند اجازه بده از کشورت برویم و اموالمان را به ما بدهید. پیامبر فرمود: خیر، از کشور خارج شوید و به اندازه یک شتر اموالتان را ببرید. یهودیان نپذیرفتند و چند روز دیگر ماندند. سپس شرط پیامبر را پذیرفتند، پیامبر این بار مخالفت کرد و فرمود: هیچ چیز با خود نمی‌برید و اگر چیزی نزد کسی یافت شود مهدور الدم است. (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۵۹)

«مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ»

گمان نمی‌کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود.

۱/۲. استحكامات و دژهای محکم یهود و خروج بنی‌نضیر از مدینه

پیامبر عبدالله بن ام مکتوم را در مدینه جانشین خود قرار داد و با لشکری به فرماندهی علی بن ابیطالب به سمت بنی‌نضیر به راه افتادند. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۷۱؛ ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۰؛ حلبی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۳۵۹) بنی‌نضیر در قلعه خود متحصن شدند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۷) و گمان می‌کردند قلعه محکمی که آن را تقویت کرده‌اند، مانع آنها در برابر خدا و رسولش می‌شود. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۶۹) قرطبی در جامع الاحکام می‌نویسد: یهودیان

دارای سلاح‌های بسیار و دژهای تسخیر ناپذیر بودند، اما هیچ چیز مانع اخراج آن‌ها از مدینه نشد. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸: ۳) از محمد بن مسلمه روایت شده که پیامبر خدا او را به سوی بنی‌نضیر فرستاد و فرمان داد به او که ایشان را در مدت سه شب اجلاء کند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۷) اما ابن هشام و حلبی نقل می‌کنند که لشکر پیامبر، پانزده روز یا شش شب بنی‌نضیر را در محاصره گرفت. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۱؛ حلبی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۳۵۹) در دوره محاصره، عَزُوك یهودی به پیامبر سوء قصد کرد که به دست علی (ع) کشته شد. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۷۱-۳۷۲)

۱/۳. خروج از مدینه و سرنوشت محتوم یهودیان بنی‌نضیر

این بخش از آیه همچنین به سرنوشت جنگ یا غزوه بنی‌نضیر اشاره دارد که یهودیان ناچار شدند از زمین و منازلشان بیرون روند و به سمت اذرعات و اریحای شام کوچ کنند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۷). ارباب تواریخ می‌نویسند: سرانجام یهودیان تسلیم شدند و پذیرفتند که تنها با یک بار شتر از اموالشان، به جز اسلحه و نقره و طلا، از مدینه خارج شوند. (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۴۹؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۷۳) بعضی از آنان از جمله آل حُیی بن اَخطب [که دخترش صفیه پس از فتح خیبر در سال هفتم هجری به همسری پیامبر درآمد (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۸: ۱۲۴)] و آل ابی‌الحقیق (همسر اول صفیه)، به خیبر رفتند و برخی به شام مهاجرت کردند. (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۸۷؛ ابن اثیر، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۲؛ ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۱) طائفه‌ای از ایشان هم به حیره ملحق شدند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۷) بنابراین محاسبات، تجهیزات و دژهای مستحکم یهودیان بنی‌نضیر در برابر اراده الهی ناکارآمد و بی‌فایده بود.

۱/۴. یم و وحشت یهودیان از مواجهه با پیامبر

«فَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ»

والی خدا از آنجایی که تصور نمی‌کردند بر آنان درآید و در دلهایشان یم افکند.

طبری می‌نویسد با نزول پیامبر در میان یارانش رعب در دلهایشان افتاد. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۰). دیگر ارباب تفاسیر در مورد این عبارت گفته‌اند خداوند به واسطه مرگ رئیس قبیله بنی‌نضیر یعنی کعب بن اشرف به دست مسلمین در دل آنان وحشت ایجاد کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۸)

ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۶۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸: ۳) محمد بن مسلمه و ابونائله سلکان بن سلامه بن وقش او را به قتل رساندند. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸: ۳) شاید این رعب به واسطه محاصره آنان توسط لشکریان پیامبر باشد، (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۱؛ حلبی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۳۵۹) و یا به واسطه یاس یهودیان از کمک منافقان مدینه که طبری نقل می‌کند رعب به دلشان افتاد. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۵۴) شاید هم مربوط به قتل یکی از یهودیان به نام عزووک باشد که در اثنای محاصره به سوی چادر پیامبر تیری انداخت و امیرالمومنین او را تعقیب نمود و به قتل رساند. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۷۱-۳۷۲) البته جمع بین همه این‌ها هم ایرادی ندارد و می‌توان همه جزئیات را در امتداد یکدیگر دید.

محمد بن اسحاق گوید: [چون پیامبر به واسطه وحی از توطئه و نقشه ترور یهود بنی‌نضیر مطلع گشت،] فرمان قتل کعب بن اشرف را به محمد بن مسلمه داد. [پس از قتل کعب] چون صبح شد پیامبر به جنگ بنی‌نضیر فرمان داد و مردم بر آن‌ها فرود آمدند. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۶-۳۸۷)

۱/۵. تخریب بیوت و فروپاشی دژهای نظامی یهودیان؛ اراده الهی

«يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»

(به طوری که خود به دست خود و دست مؤمنان خانه‌های خود را خراب می‌گردند پس ای دیده‌وران عبرت بگیرید.)

مسلمانان برای باز کردن معبر و ورود به قلعه و دسترسی به یهودیان جهت گرفتار ساختنشان قلعه را از بیرون خراب می‌کردند. اما در دلالت تاریخی «یخربون بیوتهم بایدیهم» اقوال مختلفی بیان شده است. یهودیان به دلایل مختلفی مانند ترمیم و ممانعت از نفوذ مسلمانان، (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸: ۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۶۹) یا فرار از مسلمین، (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۰) و یا تخریب کاربری قلعه برای مسلمانان، (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۰؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۳۴) قلعه را از داخل خراب می‌کردند. طبق برخی اقوال یهودیان ستون‌ها را از جا کنده، سقف‌ها را خراب کردند، دیوارها را کردند، چوب‌ها را از ریشه بیرون آوردند، حتی میخ‌ها و گیره‌ها را از بین بردند تا مؤمنان نتوانند در آن ساکن شوند. و این عمل آنان به خاطر حسد و بغض به مسلمین بود. (ر.ک: ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۶۹).

ابن هشام می گوید: یهودیان به پیامبر (ص) گفتند ما حاضریم از کشورت برویم به شرط اینکه جز اسلحه هر چه اثاث داریم و شترانمان قدرت حمل آنرا دارند با خود ببریم. پیامبر پذیرفت و آنها هر چه می توانستند (حتی درب اطاق با چهارچوب آن را) روی شترها بار کردند [تا برای مسلمین کاربری نداشته باشد]. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۰-۱۹۱)

«وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ»
و اگر خدا این جلائی وطن را بر آنان مقرر نکرده بود قطعاً آنها را در دنیا عذاب می کرد و در آخرت هم عذاب آتش داشتند.

ابن هشام می گوید: یهودیان هنگام خروج با ساز و آواز خارج شدند تا وانمود کنند زبون و ذلیل نیستند. به این ترتیب با تکبر از وسط شهر مدینه عبور کردند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۰-۱۹۱)

۱/۶. ماجرای جلائی از خانه

در این آیه کلمه «جلاء» آمده که اشاره به ماجرای حشر و اخراج یهودیان بنی نضیر از مدینه و جلائی از خانه دارد. دلالت تاریخی در این آیه از نوع دلالت مطابقی است، یعنی لفظ «جلاء» بر تمام معنای موضوع له خود دلالت دارد و همه اجزای این ماجرا داخل در معنای آن می باشد. ابن هشام در «سیره النبویه» تمام جزئیات ماجرای غزوه بنی نضیر را در یک فصل مجزا تحت عنوان «أَمْرُ إِجْلَاءِ بَنِي النَّضِيرِ فِي سَنَةِ أَرْبَعٍ» (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۰-۲۰۲) آورده است. «جلاء» به معنای اخراج به کشور یا سرزمین دیگر (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۱) و ترک دیار و وطن به خاطر گرفتاری و بلا است. طبرسی در معنای جلاء می نویسد: «انتقال از خانه و شهر و وطن برای آمدن بلاء گفته می شود». (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۵) و یا خروج از شهر و یا اخراج از آن است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۴۶-۴۷).

اگر خدا اخراج و مهاجرت معکوس را برای یهودیان مدینه نوشته بود، آن ها را در دنیا جور دیگر عذاب می کرد. طبری و طبرسی می نویسد: «اگر حکم و فرمانی بر ایشان نبود که آواره و دور از دیارشان شوند و از منازلشان نقل نمایند و از وطنشان منتقل شوند، «لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا» هر آینه ایشان را به عذاب بیچارگی و بدبختی یا کشته شدن و اسیر گشتن عذاب می کرد چنانچه با بنی قریظه چنین شد». (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۸. ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۱) «علاوه بر بیرون رفتن از وطن در آخرت نیز عذاب و شکنجه آتش است، چون یک نفر از یهودیان ایمان نیاورد». (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۸) البته ابن هشام می گوید دو نفر از یهودیان قبیله بنی نضیر به

نام‌های یامین بن عمرو و ابوسعید بن وهب مسلمان شدند و عمر بن جحاش که قصد ترور پیامبر را داشت، به جرم توطئه قتل پیامبر به دست یامین تازه مسلمان شده به قتل رسید. (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۲) به گفته ثعلبی سفیان بن عمیر بن وهب و سعید بن وهب بخاطر حفظ اموالشان اسلام آوردند. پس اموالشان را نیز گرفتند. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۷۲)

«ذَكَرَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمِنْ نِشَاقِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»

این عقوبت برای آن بود که آنها با خدا و پیامبرش در افتادند و هر کس با خدا در افتد بداند که خدا سخت کیفر است.

با توجه به سیاق آیات، «ذَلِكُ» اشاره به ماجرای «اجلای بنی‌نضیر» دارد که در آیات قبل بیان شد. کلمه «شَاقُوا» از «شَقَّ» به معنای ایجاد جدایی و شکاف، (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۵۹) مخالفت، (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۶۰) دشمنی، مخاصمه و عداوت (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۸: ۶۷) است. در واقع کلمه «شاقوا» خارج لازم مخالفت و عداوت از طریق ایجاد تفرقه و جدایی است. (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۲) بنابراین این آیه دلالت التزامی بر ماجرای اجلای بنی‌نضیر و اخراج آنان از مدینه دارد.

۱/۷. عهد شکنی و جدایی یهود بنی‌نضیر از پیامبر و اقدام به ترور پیامبر

طبق برخی گزارش‌های تاریخی، مقارن ظهور اسلام و پیش از غزوه احد قبیله بنی‌نضیر ظاهراً با ابوسفیان ارتباط داشتند و علیه پیامبر و برای قتل ایشان هم پیمان شدند. (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۴؛ ص. ۱۹۰؛ اصفهانی، بی تا، ج ۶: ۳۷۳-۳۷۴؛ مکارم، ۱۳۸۵: ۴۳۸-۴۳۹) اما عهد شکنی یهودیان مدینه بعد از جنگ احد صورت گرفت. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۶) کعب بن اشرف یهودی با چهل نفر از یهودیان سواره به مکه نزد قریش آمدند و قسم خوردند و با ایشان پیمان بستند که متحداً و بدون اختلاف علیه پیامبر پیکار کنند. پس ابوسفیان با چهل نفر از قریش و کعب با چهل نفر از یهود وارد مسجد الحرام شده و در کنار خانه کعبه پیمان‌ها را محکم ساختند. (ر.ک: مکارم، ۱۳۸۵: ۴۳۸) این جمعیت بر دشمنی پیامبر با یکدیگر هم سوگند شدند و یهودیان برای جلب اعتماد بزرگان قریش به بت‌های آنان سجده کردند. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۹۲) در همین رابطه آیه‌ای نازل شد که اهل کتاب (یهود) به جبت و طاغوت ایمان [تاکتیکی] آوردند. (ر.ک: نساء، ۵۱-۵۲) یهودیان در پاسخ به سوال قریش که گفتند آیا دین ما بهتر است یا دین محمد، از روی لجاجت و دشمنی با پیامبر ابراز داشتند: آیین بت پرستی شما از اسلام محمد

بهرتر است (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۱۴؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۴۱-۴۴۲؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۹۵). این حلف آنان بعداً منجر به جنگ خندق شد و ابورافع یهودی (سلام بن ابی الحقیق) نیز که از تاجران شام و حجاز و در خیبر ساکن بود، قریش و احزاب را علیه پیامبر تحریک نمود و با صرف پول‌های گزاف، احزاب بت پرست را در دسته‌های مختلف علیه مسلمین سازمان‌دهی و راهی مدینه نمود. (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۷۳؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۶؛ حلبی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۲۲۷) سپس کعب بن اشرف و یارانش به مدینه برگشتند و جبرئیل به آنچه که کعب و ابو سفیان با هم پیمان بسته بودند خبر داد و به قتل کعب بن اشرف فرمان داد. پس محمد بن مسلم انصاری (برادر رضاعی کعب) او را کشت (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۶).

این ماجرا نشانه «شاق» و عداوت بنی‌نضیر با خدا و رسولش می‌باشد و این مخالفت و پیمان شکنی علیه پیامبر به جنگ و غزوه بنی‌نضیر منجر شد. ارباب تواریخ ماجرای جدایی و انشقاق قبیله بنی‌نضیر و پیامبر را این‌گونه نقل کرده‌اند؛

یکی از مسلمانان به نام عمرو بن امیه که از سریه بئر معونه باز می‌گشت، دو نفر از قبیله بنی‌عامر را که از پیامبر امان داشتند، کشت. عامر بن طفیل از پیامبر دیه طلب کرد. (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۹۰؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۵۱) پس از رفت و آمدهایی بین مسلمانان و آن قبیله مبنی بر فیصله دادن موضوع، پیامبر (ص) پذیرفتند تا خون‌بهای آن دو را بپردازند. لذا برای جمع کردن خون‌بها به سراغ متحدان خود از جمله بنی‌نضیر (که هم پیمان بنی‌عامر بودند) رفتند و کمک خواستند. (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۶۴؛ ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۹۰؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۵۱) بنی‌نضیر کمک به پیامبر را پذیرفتند، اما وقتی پیامبر را با چند نفر محدود از اصحابش دیدند نقشه ترور کشیده و یکی از آنان به نام عمرو بن جحاش داوطلب شد تا بر پشت بام رفته و سنگ بزرگی را بر سر پیامبر پرتاب کند و آن حضرت را در پای دیوار قلعه از پای در آورد. (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۹۰) ولی قبل از آنکه او کار خود را بکند خدای تعالی به وسیله وحی رسول خود را از توطئه ایشان آگاه کرد و رسول خدا فوراً از پشت آن دیوار حرکت کرد و مانند کسی که به دنبال کاری می‌رود بدون آنکه حتی اصحاب خود را با خبر کند به طرف مدینه به راه افتاد. (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۹۰؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۵۲) پیامبر

به ایشان ده روز مهلت داد تا با اموال منقول خود، جز اسلحه، از مدینه خارج شوند و سالانه برای برداشت محصول خرما باز گردند. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۶۹)

«مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيْخِزْيِ الْفَاسِقِينَ»

آنچه شما بریدید از درخت خرما یا آنها را دست نخورده بر ریشه هایشان بر جای نهادید به فرمان خدا بود تا نافرمانان را خوار گرداند.

۱/۸. ماجرای قطع درختان نخل بویره

ابن اسحاق، طبری، طبرسی و ابن کثیر نقل کرده‌اند: بنی‌نضیر در قلعه خود تحصن کردند، پس پیامبر دستور داد درختان خرماي آن‌ها را [در بُوَيْرَه (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۵۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۴: ۸۸)] قطع کنند و بر آن آتش افکنند. یهودیان فریاد زدند «ای محمد! تو بودی که از فساد نهی می‌کردی»، پس برای چه درختان خرما را قطع می‌کنی و می‌سوزانی؟ (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۹۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۷)

اللینه: نخله و درخت خرما است و اصل آن از لون است که واو قلب به یاء شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۵) ارباب تفاسیر در معنی «لینه» اختلاف دارند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۲). برخی لینه را همه انواع خرما بدون استثنا می‌دانند و برخی به استثنای عجوه [و برنی] و برخی آن را گران‌مایه و کرام النخل دانند و برخی لینه را نوعی از درختان خرما گویند که زرد و لطیف و صاف است و استخوان آن دیده شود. یهودیان این نوع درخت خرما را بیشتر دوست داشتند؛ پس سختشان شد و فریاد زدند: ادعای صلاح دارید اما این کارتان فساد فی الارض است... (رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹: ۱۰۹-۱۰۸).

"لینه" از ماده "لون" به یک نوع عالی از درخت خرما می‌گویند، و بعضی آن را از ماده "لین" به معنی نرمی به نوعی از درخت خرما تفسیر کرده‌اند که شاخه‌هایی نرم و نزدیک زمین و میوه‌ای نرم و لذیذ دارد.

واقدی می‌گوید: [مسلمانان به دستور پیامبر] لینه (الوان) را بریدند و عجوه را بر ریشه‌هایشان بر جای نهادند و یهودیان از قطع درختان نخل به غیظ آمدند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ذکر ما نزل من القرآن فی بنی‌النضیر). طبرسی نیز می‌نویسد: تمام اینها به امر خداست و برای شما جائز است، خدا [حکمت] آن را می‌داند و به شما اذن داده تا به این وسیله دشمنانش را ذلیل و خوار کند. یهودیان وقتی ببینند دشمنشان بر اموالشان حکومت می‌کند، برایشان خفت و خواری و ذلت است. این دستور خدا برای آن بود که یهودیان فاسق را رسوا و بد نام کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۸۹-۳۸۸).

اینکه یهودیان از بریدن الوان به غیظ آمدند، نشانه ارزشمند بودن و محبوب بودن درختان نخل لینه است. احتمالاً لینه ارزشمندترین و کریمترین نوع نخل برای یهودیان در منطقه بویره بوده است که با قطع و به آتش کشیدنشان یهودیان هم به غیظ آمدند و هم با این عملیات روانی خوار شدند و هم رعب در دلشان افتاده و هم با کمترین هزینه و خونریزی ناچار به تسلیم شدند. پیامبر از عملیات روانی و رسانه‌ای علیه یهود غفلت نمی‌کرد. به طور مثال حسان با هدایت پیامبر کعب بن اشرف و اطرافیانش را هجو می‌نمود. (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۲۲) ابن هشام نیز در سیره النبویه شعری را از کعب بن مالک در خصوص اجلای بنی‌نضیر آورده است. (ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۸) که نشان دهنده رسوخ این ماجرا در ادبیات آن روز عرب است. تبدیل این جنگ شناختی به جنگ ترکیبی نیز ابتکار پیامبر با استفاده از وحی بود.

۲. پیروی مسلمانان از فرمان خدا در تقسیم غنایم جنگی

«وَمَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِمَّا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»
 و آنچه را خدا از آنان به رسم قیمت مایه پیامبر خود گردانید، شما برای تصاحب آن اسب یا شتر یا بر آن ناختید ولی خدا فرستادگان را بر هر که بخواهد جیره می‌گرداند و خدا بر هر کاری تواناست.
 «مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»
 آنچه خدا از اداری ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر او و ضلوع به خوبان و ندان نزدیکه او) و یتیمان و در راه ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نکرده و آنچه را فرستاده او به شما داد آن را بگیری و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.

۱/۲. روش تقسیم فیء به دست آمده از بنی‌نضیر

مسلمانان در این جنگ به مشقت و تکلف نیفتادند، و هزینه جنگ ندادند، حتی سوار اسب و شتر نشدند، مگر پیامبر خدا که بر شتر سوار شد و بدون جنگ و خونریزی قلعه یهود را فتح کرد و یهودیان را از مدینه بیرون راند و اموال آنان را گرفت. جمعی از مسلمین برای تقسیم اموال یهودیان طبق سنت عصر جاهلیت به پیامبر پیشنهاداتی دادند! سپس این آیات نازل شد که صراحتاً گفت: چون جنگی نشده و مسلمانان برای این غنائم زحمتی نکشیده‌اند تمام آن متعلق به پیامبر (رهبر حکومت اسلامی) است و ایشان هر طور صلاح بدانند تقسیم می‌کند. پیامبر این اموال را میان مهاجرین تهی دست «مدینه» (که رنج دیده و تحریم شده در مکه و فراری از جنگ بودند) و دو یا سه نفر از نیازمندان انصار، تقسیم نمود. (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۷۲) به گفته ابن عباس این آیات در خصوص اموال کفار روستاهای بنی‌نضیر و بنی‌قریظه نازل شد که در

مدینه و فدک (و خیبر و عرینه و ینبع) بودند و خدا این اموال را برای پیامبرش قرار داد تا آن گونه که می‌خواهد حکم کند. و بعضی گویند: آیه اول بیان اموال بنی‌نضیر تنهاست و آیه بعد بیان اموالی است که بدون جنگ و کشتار بدست آمده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۹۰)

ارباب تواریخ می‌نویسند: رسول خدا با توافق و همراهی انصار این اموال را میان مهاجران تقسیم نمود تا وظیفه حمایت از مهاجران توسط انصار پایان پذیرد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۲؛ ابن اثیر، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۲؛ حلبی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۳۶۵).

«لِلْفَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»

[این غنایم نخست] اختصاص به بنوایان مهاجری دارد که از دیارشان و اموالشان رانده شدند خواستار فضل خدا و خشنودی او می‌باشند

و خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند اینان همان مردم درست‌کردارند.

«وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَجْتَبُونَ عَنْ هَاجِرِ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ

وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسَهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

و نیز کسانی که قبل از مهاجران در (مدینه) جای گرفته و ایمان آورده‌اند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است

در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و هر چند در خودشان احتیاجی (میرم) باشد آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند و هر کس از حسد نفس خود بصون ماند ایشانند که رستگارند.

«وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»

و نیز کسانی که بعد از آنان (مهاجران و انصار) آمده‌اند او می‌گویند پروردگارا بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند بخشای و در دل‌هایمان

نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند هیچ کینه، کینه‌ای بگذار پروردگارا راستی که تو رؤوف و مهربانی

۲/۲. ایثارگری و محبت انصار نسبت به مهاجرین

روز غزوه بنی‌نضیر پیامبر به انصار فرمود: اگر مایلید اموال و خانه‌هایتان را با مهاجرین تقسیم کنید؛ در عوض در این غنایم با آنان شریک شوید، و اگر نخواستید این غنایم برای مهاجرین باشد. انصار گفتند: اموال و منازلمان را با ایشان تقسیم می‌کنیم و چشم داشتی هم به غنائم نداریم، و مهاجران را مقدم بر خود می‌داریم. پس آیه «وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» نازل شد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۹۰؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۴) واضح است، این آیه در ماجرای «بنی‌نضیر» نازل شده، اما به دلیل عمومیت مفهوم آیه، ارباب تفاسیر و احادیث مصادیق دیگری را نیز قابل تطبیق می‌دانند.

۳. ناکامی یهودیان به خاطر اعتماد بر منافقان

«أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ نَاقَوْا يَقُولُونَ إِخْوَانَهُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نَطْلِعَ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»

مگر کسانی را که به نفاق برخاستند ندیدی که به برادران اهل کتاب خود که از در کفر درآمده بودند می گفتند اگر اخراج شدید حتما با شما بیرون خواهیم آمد و بر علیه شما هرگز از کسی فرمان نخواهیم برد و اگر با شما جنگیدند حتما شما را یاری خواهیم کرد و خدا گواهی می دهد که قطعاً آنان دروغگویند.

«لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَصَرُوهُمْ لَيُولِيْنَ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ»

اگر یهود اخراج شوند آنها با ایشان بیرون نخواهند رفت و اگر با آنان جنگیده شود (منافقان) آنها را یاری نخواهند کرد

و اگر یاریشان کنند حتما ادر جنگا پشت خواهند کرد و (دیگر) یاری نیابند.

۳/۱. پیشنهاد نصرت و یاری منافقان مدینه به یهود بنی نضیر

به گفته قمی، جمعی از منافقان «مدینه»، مانند «عبدالله بن ابی» و یارانش، یهودیان را برای جنگ با پیامبر تحریض کردند و پیشنهاد کردند اگر بجنگید ما نیز همراه شما خواهیم جنگید. یهودیان نیز دژهایشان را محکم کرده و برای جنگ آماده شدند و به پیامبر پیغام جنگ دادند. (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۵۹)

مورخان نقل کرده اند: عبدالله بن ابی، رئیس منافقان مدینه، به یهودیان بنی نضیر پیشنهاد یاری داد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۰-۱۹۱) و بنی نضیر را از اطاعت پیامبر بازداشت و وعده داد که همراه با هزار نفر از قومش و بنی قریظه [و قبیله غطفان] از آنان دفاع کند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۶۸؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۵۴؛ حلبی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۳۶۵).

ماجرا از قول ابن اسحاق این گونه روایت شده است: عبد الله بن ابی به همراه ودیعه و مالک بن ابی و سوید و داعس نزد بنی نضیر رفتند و به آنان گفتند در خانه هایشان بمانند و استقامت کنند و دژهای خود را محکم سازند و از خواسته پیامبر امتناع نمایند و وعده دادند که ما به شما خیانت نمی کنیم و شمار را تسلیم پیامبر نمی کنیم و اگر پیامبر با شما جنگید، ما در کنار شما با او خواهیم جنگید. اگر هم از مدینه اخراج شدید، ما نیز با شما از مدینه خارج می شویم. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۴؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۵۴) همین امر سبب تشویق یهود «بنی نضیر» برای مخالفت با پیامبر شد.

یکی از بزرگان «بنی نضیر» به نام «سلام» به «حیی بن اخطب» که سرپرست برنامه های «بنی نضیر» بود، گفت: به حرف «عبدالله بن ابی» اعتنائی نکن، او می خواهد تو را به جنگ محمد تشویق کند؛ خودش در خانه بنشیند، و شما را تسلیم حوادث نماید. «حیی» گفت: ما چیزی جز دشمنی محمد و

پیکار با او نمی‌شناسیم. «سلام» در پاسخ گفت: به خدا سوگند من می‌بینم، سرانجام ما را از این سرزمین بیرون می‌کنند، اموال و شرفمان بر باد می‌رود، کودکانمان اسیر، و جنگاورانمان کشته می‌شوند. (مکارم، ۱۳۸۵: ۴۴۴-۴۴۵)

۳/۲. وعده دروغ منافقان و عدم نصرت یهودیان

یهودیان در ایام محاصره منتظر وعده‌های منافقین مدینه بودند، اما طبری و یعقوبی می‌نویسند که عبدالله بن ابی و منافقان به وعده‌های خود عمل نکردند و یهودیان را تنها گذاشتند و خداوند در دل‌های یهودیان رعب افکند. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۵۴؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۴۹) ابن هشام گوید: یهودیان پس از شش روز از عبدالله بن ابی مایوس شدند. بنابراین یهودیان پیشنهاد کردند ما حاضریم از این سرزمین برویم... (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۰-۱۹۱)

«لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»

شما قطعاً در دل‌های آنان بیش از خدا بانه هراسید چرا که آنان بردمانی اند که نمی‌فهمند.

«لَا يَتَّقِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قَرْيٍ مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»

آنان به صورت دسته جمعی جز در قریه‌هایی که دارای استحکاماتند یا از پشت دیوارها با شما نخواهند جنگید چنانکه میان خودشان سخت است

آنان را متحد می‌بنداری ولی دل‌هایشان پراکنده است زیرا آنان بردمانی اند که نمی‌اندیشند.

۳/۳. اختلاف درونی در سپاه دشمن

برخی مفسران با توجه به سیاق آیات، ضمیر «هم» را در عبارت «تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى» جمع یهود و منافقان می‌دانند و اختلاف را تفرقه بین یهودیان و منافقان معنا می‌کنند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۶۹) مجاهد منظور از این اختلاف را در تفاوت دین یهود و منافقین می‌داند. اما قتاده اهواء و شهادت و اعمال اهل باطل را مختلف می‌داند و تنها در دشمنی با اهل حق آنان را مجتمع می‌داند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۸۴).

اما دو نقل تاریخی از اختلاف درونی یهودیان گزارش شده است. گزارش اول زمانی است که بنی‌نضیر برای ترور پیامبر توطئه کردند که سنگی را روی ایشان بیاندازند، و سلام بن مشکم با این تصمیم یهودیان مخالفت کرد و آنان را به جنگ احتمالی هشدار و تخویف داد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۵۲). گزارش دوم مربوط به اعتماد و همدستی با عبدالله بن ابی و منافقان مدینه است که باز سلام بن مشکم با حیی بن اخطب مخالفت نمود و او را به اخراج و ذلت و اسارت و قتل تخویف داد (مکارم،

۱۳۸۵: ۴۴۴-۴۴۵) و این ماجرا همان مفهوم سخن قتاده است که گفت: «أهل الباطل مختلفه أهواؤهم، مختلفه شهاداتهم مختلفه أعمالهم و هم مجتمعون فی عداوة أهل الحق». (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج: ۹، ۲۸۴).

«كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

درست مانند همان کسانی که اخیراً در واقعه بدر برای کار بد خود را چشیدند و آنان را عذاب دردناکی خواهد بود.

۳/۴. سرنوشت قبیله بنی قینقاع و تبعیت از منافقان مدینه

مجاهد می گوید: منظور از عبارت «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، مشرکان مکه است و منظور از عبارت «قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ» جنگ بدر است. و ابن عباس می گوید: منظور از عبارت «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، بنی قینقاع است و مثال قریظه مانند مثال بنی نضیر است که دو سال بین این دو جنگ فاصله بود و منظور از عبارت «ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ» جلاء و نفی بلد است. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج: ۹، ۲۸۴)

این آیه با توجه به عبارت «كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» اشاره به سرنوشت قوم دیگری مشابه بنی نضیر (یعنی بنی قینقاع قمی، ۱۳۶۳، ج: ۲، ۳۶۰)) دارد. و از کلمه «قریبا» استفاده می شود که زمان وقوع این حادثه تاریخی نزدیک جنگ بنی نضیر است. بنابراین مفسران دو جنگ بدر (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج: ۲، ۱۲) (واقع در ماه نوزدهم هجری) و بنی قینقاع (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج: ۲، ۲۹) (واقع در ماه بیستم هجری) را مثال زده اند که هر دو در سال دوم هجری اتفاق افتاده است. اما قرائن تاریخی حکم می کند که مراد آیه یهودیان بنی قینقاع هستند، چرا که بنی نضیر و بنی قینقاع هر دو یک گناه و اشتباه مشترک انجام دادند و احتمالاً آیه اشاره به همین ماجرا دارد. «وَبَالَ» به معنی عواقب سوء یک امر است. یهودیان بنی نضیر، فریب وعده های منافقان را خوردند و فکر نکردند که این منافقان، چندی قبل همین وعده ها را به یهودیان بنی قینقاع دادند و وفا نکردند (واقعی، ۱۴۰۹، ج: ۱، غزوة قینقاع).

عبدالله بن اُبی، سرکرده منافقان، در این ماجرا نقشی دوگانه داشت؛ از سویی ظاهراً خود یهودیان را به سرکشی و تحصن در حصار تحریک کرده بود و از سوی دیگر، از پیوستن به آنان سرباز زد.

«كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»

چون حکایت شیطان که به انسان گفت کافر شو و چون او کافر شد گفت من از تو بیزارم زیرا من از خدا پروا دارم چنانچه من ترسم.

«فَكَانَ غَافِقَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ»

و فرجام هردویشان آن است که هر دو در آتش جاوید می مانند و سزای ستمگران این است.

۳/۵. سرگذشت راهبی به نام برصیصا

برخی مفسران این آیات را مربوط به سرگذشت راهبی به نام برصیصا می‌دانند که از عابدان و زاهدان در دوران فترت بود.

در بنی اسرائیل، عابدی بود به نام برصیصا که سال‌ها عبادت می‌کرد و مشهور شد و مردم بیماران خود را برای شفا و درمان نزد او می‌آوردند. تا این که روزی زنی از اشراف را نزد او آوردند، شیطان او را وسوسه کرد و او به آن زن تجاوز کرد. سپس او را کشت و در بیابان دفن کرد. برادران زن فهمیدند و مسئله شایع شد و عابد از موقعیت خود سرنگون گشت. حاکم وقت او را احضار و او به گناه خود اقرار کرد و حکم صادر شد که به دار آویخته شود. در این هنگام شیطان نزد او مجسم شد که وسوسه من تو را به این روز انداخت، اگر به من سجده کنی تو را از این هلاکت نجات دهم. برصیصا گفت: چگونه سجده کنم در حالی که بالای چوبه دارم، گفت: من به اشاره هم قبول دارم، پس با ایماء و اشاره سجده کرد و به کلی دین خود را از دست داد و سرانجام نیز کشته شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۹۷).

ابو اسحاق نیشابوری می‌نویسد: هنگامی که برصیصا کافر شد، شیطان گفت: من از شما بیزارم زیرا من از پروردگار می‌ترسم. خداوند متعال فرمود: عاقبت شیطان و برصیصا این است که در آتش جاودانه باشند و این سزای ستمکاران است.

ابن عباس می‌گوید: خداوند این مثل را برای یهود بنی‌نضیر و منافقان مدینه زد. در واقع پیشنهاد نصرت یهودیان توسط منافقان مدینه، مثال همان وسوسه‌های شیطانی است که یهود بنی‌نضیر از منافقان اطاعت کردند و به امید نصرت منافقان در دژهای خود علیه پیامبر تحصن کردند، اما منافقان آن‌ها را تنها گذاشتند و از یهودیان براءت جستند، مانند شیطان که از برصیصا براءت جست. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۸۶) قمی نیز امثال این آیات را در شان عبدالله بن ابی و بنی‌نضیر می‌داند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۶۰).

هویت مبتنی بر نقش صهیونیسم و انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل

دولت جعلی اسرائیل ماهیت سکولاری دارد، اما در سیاست ورزی‌های خود تناقضی آشکار در مسئله منجی موعود دارد. ریشه درگیری تاریخی مسلمانان و یهودیان همانطور که در پیشینه

رویداد تاریخی حشر یهودیان غیربومی مدینه بررسی شد، مربوط به مسئله منجی است تا آنجا که به موضوع اصلی منازعه تمدنی و جهانی اسرائیل و ایران تبدیل شده است. همان گونه که مناخم مندل اشیرسون (مسیح یهودیان و رهبر جنبش «حسیدیسیم نوین» و رهبر فرقه‌ی «خاباد لوباوچ») در سال ۱۹۹۰ بنیامین نتانیاهو را تحریک به تلاش برای ظهور منجی می‌کند.^۱ صهیونیست‌ها مبتنی بر نزدیکی عصر ماشیحانی برخلاف قرائت سنتی یهودی از انتظار ظهور، با طرح تئوری «دحیکات هاکس»^۲ یا «بدعت و تعجیل» و مجبورسازی مسیح به ظهور، یهودیان را برای مهاجرت به ارض مقدس جهت تشکیل حکومت و زمینه‌سازی برای ظهور ماشیح سوق داده‌اند. در واقع سبب «دیاسپورا» یا تبعید و آوارگی یهودیان اشتیاق سیری‌ناپذیر آنان برای حکومت بر جهان است. لذا موعودگرایی متغیر مشروعیت‌زای دولت اسرائیل است. دکتورین تئودور هرترزل در کتاب «دولت یهود» در سال ۱۸۸۲ تبیین گردید و از سال ۱۸۹۷ کاربرد عملی پیدا کرد. هرترزل شخص سکولاری بود که با پیشنهاد بریتانیا قصد داشت اوگاندا، عراق، کانادا یا آرژانتین را به عنوان وطن و دولت یهودیان معرفی کند، اما مسیحیان صهیونیسم آمریکا با انگیزه مهاجرت یهود به فلسطین و ترس از ورود بی‌رویه یهودیان به آمریکا آنان را به فلسطین به عنوان وطن یهودیان کشاند. (هلال، ۱۳۸۳: ۵۵) یک مبلغ مذهبی امریکایی به نام ویلیام بلاکستون، هرترزل را برای مهاجرت یهودیان به فلسطین تحریک نمود و در سال ۱۸۷۸ کتابی با عنوان «مسیح می‌آید» منتشر ساخت. چکیده کتاب این است که «بازگشت مسیح» تحقق نمی‌یابد مگر با بازگشت یهودیان به سرزمین موعود! هنری کپوت لودج، رییس کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در سال ۱۹۲۲ در بوستون گفت: من به هیچ وجه نمی‌توانم تصور کنم که فلسطین و قدس زیر سلطه پیروان محمد باشد. (هلال، ۱۳۸۳: ۵۹) با نابودی رژیم پهلوی تعاریف هویتی «خود» و «دیگری» ایران و اسرائیل تغییر یافت که فرجام یکی جامعه آرمانی ابلیس و فرجام دیگری جامعه آرمانی نبی اکرم است. هویت مبتنی بر نقش صهیونیست و انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل براساس تشکیل «حکومت جهانی ماشیح» و «دولت کریمه مهدوی» و ضدیت و مانعیت این دو با هم شکل گرفته است. این درگیری تمدنی و هویتی در حافظه تاریخی ملت‌ها و دولت‌ها تا نابودی یکی از طرفین و فتح سرزمینش ادامه خواهد داشت.

1. Mshrgh.ir/1535973

2. Dahikat ha-Ketz

تقریب شاخص‌های الگوی رفتار تمدنی پیامبر با عملکرد انقلاب اسلامی در قضیه فلسطین

لزوم اخراج و مهاجرت معکوس یهودیان غیر بومی یکی از مضامین تاریخی و تمدنی سوره حشر می‌باشد. انقلاب اسلامی با رد پیشنهادهایی مانند دولت اسرائیلی فلسطینی و یا دو کشوری و... راه‌حل دموکراسی و رأی‌گیری از مردم اصیل فلسطین برای ایجاد دولت مرکزی و اخراج صهیونیست‌های غیر بومی فلسطین و بازگشت آنان به کشور خودشان را مطرح کرده است. فشار حداکثری و محاصره شگرد پیامبر برای از پای درآوردن دشمن یهود است تا آنجا که بنی‌نضیر از مدینه مهاجرت معکوس کردند. انقلاب اسلامی نیز با ایجاد جبهه مقاومت در منطقه و تنگ کردن کمربند مقاومت به اسرائیل عرصه را برای ادامه زیست دولت صهیونیستی غیر ممکن کرده است. همان‌گونه که نتانیاهو در کنگره آمریکا اظهار کرد: پاسداران انقلاب اسلامی در بلندی‌های جولان، شبه‌نظامیان شیعه در عراق و حوثی‌های یمن با حمایت ایران اسرائیل را تهدید می‌کنند.^۱ باز هم شاهد بیم تاریخی یهود از مسلمین هستیم و ایران سه کابوس اول نتانیاهو است. حس ناامنی برای اسرائیل از ناامنی بدتر است و آنان را حتی از ابتدایی‌ترین اهدافشان دور می‌سازد. قرآن کریم یهودیان را (غیر از عده کمی از آنان) خائن می‌شمارد. مبتنی بر این هویت تاریخی، نتانیاهو به دنیا پیام می‌دهد این جنگ نظامی و نسل‌کشی را ادامه می‌دهیم حتی «اگر لازم باشد، قاطعانه در مقابل جهانیان می‌ایستیم». فرزند نامشروع آمریکا به عنوان مدعی حقوق بشر در جهان، برای عدم تعهد به کنوانسیون‌های حقوق بشر و قوانین جنگ سازمان ملل، جهان را به جنگ فرا می‌خواند.

سنت الهی انشقاق و اختلاف سبب درهم شکسته شدن یهودیان مدینه شد. تغییر دموگرافیک در بین صهیونیست‌های اسرائیل جدی‌ترین چالش رژیم است. اسرائیل جامعه‌ای متشکل از ۱۰۲ ملت و فرهنگ با ۵۰ زبان مختلف و اقوام و مذاهب مختلف شامل اشکنازی‌های سکولار، اشکنازی‌های مذهبی، یهودیان مذهبی سفاردیم، یهودیان صهیونیست مذهبی، مهاجران یهودی روس، مهاجران یهودی فلاشا و فلسطینی‌های ساکن اراضی اشغالی ۴۸۹۱ می‌باشد که همین گسل‌ها سبب انشقاق و اختلاف داخلی جدی شده است. با وجود گسل‌های شدید فرهنگی، قومی، مذهبی، و شکاف‌های شدید اجتماعی و سیاسی، عملاً ایده کوره مذاب در جامعه اسرائیلی

1. <https://youtu.be/SIO2HdxMTXg?feature=shared>

شکست خورده و نشانه‌های نابودی رژیم را ظاهر ساخته است تا آنجا که برخی شخصیت‌های اسرائیلی در خصوص فروپاشی اسرائیل صحبت کرده‌اند. صهیونیست‌های راست‌گرا دارای ۶ ستون ایدئولوژیک هستند که یکی از این شش ستون «معرفی یهودیان مخالف داخلی به عنوان دشمن مردم، خائن به وطن و هوادار دشمنی» است (Peleg, 2000: 142-143).

همان‌گونه که در سرگذشت یهود بنی‌نضیر نیز آمده و پس از اختلاف و انشقاق درونی، عاقبت منافقان برای آنان عبرت شد؛ در شرایط کنونی نیز طبق سنت‌های الهی منافقان عبرتی برای اسرائیل هستند. لذا عادی‌سازی روابط تلاشی مذبوحانه است و سرنگونی رژیم پهلوی به دلیل حمایت از اسرائیل و اسقاط برخی سران عرب به همین دلیل و مغضوب مردم واقع شدن برخی دیگر از حکام کشورهای اسلامی نیز در منطق این سنت الهی معنا می‌شود.

نقدها و پیشنهادها

اگر امت اسلام از الگوی تاریخی و تمدنی پیامبر که محور تکامل عالم است، تبعیت کند؛ خداوند متعال متناسب با شدت تقاضای امت به آنان قدرت تصرف و توسعه فاعلیت می‌بخشد و قطعا گنبد آهنین، تسلیحات هسته‌ای و نظامی و تکنولوژی پیشرفته اسرائیل و آمریکا در مقابل اراده محکم الهی مانند محاسبات، تجهیزات، دژها و استحکامات یهود بنی‌نضیر ناکارآمد و بدون فایده خواهد شد.

سیاست خارجی اسرائیل در قبال ایران براساس «هویت تاریخی» و «هویت مبتنی بر نقش خود و دیگری» تنظیم می‌شود. در دوره نخست‌وزیری اسحاق رابین (۱۹۹۲-۱۹۹۵) او گفت: «تهدید اصلی اسرائیل دیگر از جهان عرب نیست، بلکه از ناحیه ایران است». (David, 2020: 199) نتانیا‌هو نیز در کنگره آمریکا گفت: «وزیر پارسیان (هامان) ۲۵۰۰ سال پیش قصد نابودی قوم ما را داشت... امروز دوباره ملت ما با خطر نابودی از جانب رهبر انقلاب اسلامی ایران آیت‌الله خامنه‌ای روبروست». ^۱ لذا «ایرانیت» و «اسلامیت» دو متغیر تأثیرگذار سیاست خارجی اسرائیل در قبال ایران است. بنابراین در جنگ شناختی باید این دو متغیر را برجسته نمود.

1. <https://youtu.be/XynHpKTCaLM?feature=shared>

یک چالش جدی در افکار عمومی «هنگامه جنگ تمام عیار ایران با اسرائیل» است. این تعجیل ناشی از نبود رویکرد تمدنی است. پیامبر به واسطه وحی قرآنی می‌دانست یهودیان برای مقابله با موعود آخرالزمانی به مدینه آمده‌اند اما برای جنگ و مقابله با آنان صبر تمدنی داشت و نهایتاً گمراهان را قاطعانه مجبور به اخراج و کوچ از مدینه نمود. این سنت الهی درخصوص اسرائیل نیز جاری خواهد شد؛ یا با اخراج و یا با جنگ و عذاب/ یا قبل و یا بعد از ظهور منجی موعود.

پیامبر با استفاده از تکنیک‌های جنگ ترکیبی (قتل صبر و هزاران جراحت)؛ مانند قتل رئیس قبیله یهود، محاصره و ایجاد رعب، سوزاندن نخل‌ها، قتل متهاجمان یهود مانند عزوگ، ایجاد انشقاق بین رهبران یهود، ایجاد انشقاق بین یهود و منافقان، استفاده از هنر، ادبیات و شعر مقاومت در برابر یهود و... آنان را خوار و زبون و ذلیل نمود و درهم شکست. با توجه به تیپ‌شناسی اسرائیلی‌ها، این رفتار تمدنی برای درهم شکستن اسرائیل نیز کارآمد است.

در ماجرای حشر، انصار با ایثارگری و محبت، مهاجرین رنج‌دیده فراری از جنگ را بر نفس خود مقدم شمردند و به ایشان کمک‌های مالی فراوان کردند که این باید به رفتار تمدنی همه امت اسلام در حق فلسطینیان تبدیل شود.

سیر عادی‌سازی روابط اسرائیل با دول عربی، از پذیرش قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل توسط یاسر عرفات و برقراری صلح بین اسرائیل با مصر و اردن تا پیشنهاد عربستان برای تشکیل دو دولت، موجودیت فلسطین را به خطر می‌اندازد و نشان از نفاق و همکاری و توافقی با اسرائیل است که «اسرائیل را به عنوان یک بازیگر در خاورمیانه حفظ کند»^۱ این اختلاف در امت اسلام سبب ادامه حیات دولت صهیونیستی شده است. اگر تعریف امت اسلام از «غده سرطانی» اسرائیل «شر مطلق» باشد که چنانچه «انگشتش را به بحر محیط بزند نجس می‌شود»؛ آنگاه «اگر اسرائیل و شیطان با هم بجنگند»، و ما مخیر باشیم با یکی از طرفین بمانیم، قطعاً «در کنار شیطان می‌ایستیم». به تعبیر امام «اگر مسلمین مجتمع بودند و هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می‌ریختند، او را سیل می‌برد». این متغیر سبب نابودی نهایی رژیم غاصب به عنوان رحم منافقان خواهد شد.

تظاهرات شنبه‌های اسرائیل شکلی از شکاف‌های فکری بین مذهبی‌ها و سکولارهای اسرائیل است. جمعیت عرب مسلمان فلسطین نیز از سال ۲۰۲۰ بیشتر از جمعیت اسرائیلی شده است. عمیق

1. <https://youtu.be/CYFdIqL75g?feature=shared>

نمودن گسل‌های هویتی و تغییرات دموگرافیک زمینه را برای تفوق فلسطینی‌ها در انتخابات و تشکیل دولت مبتنی بر راهکار دموکراسی رهبر معظم انقلاب و مهاجرت معکوس یهودیان مساعد می‌سازد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

قرآن دست اول‌ترین منبع تاریخ صدر اسلام برای کسب عبرت‌های تاریخی می‌باشد که نیازمند تفسیر تاریخی و مطالعات بنیادین فلسفه تاریخ اجتماعی اسلام است. دلالت‌های تاریخی سوره حشر در مورد تقابل یهود با پیامبر (به عنوان اسوه قرآن) یک الگوی رفتاری و تمدنی از پیامبر به امت می‌دهد که سه نوع دلالت می‌باشد؛

برخی واژگان مانند «حشر» و «جلاء» دارای دلالت تاریخی هستند.

برخی مضامین متنی آیات نیز دارای گزارش‌های تاریخی است.

استعاره، تشبیه و مثل‌های پایان سوره نیز دارای دلالت‌های تاریخی در خصوص یهود است.

دلالت‌های لفظی مضامین متنی به سه کلان روایت فلسفه تاریخ اجتماعی اشاره دارد؛

«اخراج و ذلت ابدی یهودیان به دلیل مخالفت با خدا و پیامبر»

«پیروی مسلمانان از فرمان خدا در تقسیم غنائم جنگ بنی‌نضیر»

«ناکامی یهودیان به خاطر اعتماد بر منافقان مدینه»

مجموعاً ۱۵ گزاره متنی دارای دلالت‌های لفظی بر ماجرای تاریخی حشر و اجلاء یهود

بنی‌نضیر می‌باشد.

همگرایی معنادار منابع تفسیری و تاریخی شیعه و اهل سنت جهت تبیین تهدید یهود مهمترین

سرمایه امروز امت برای وحدت و برپایی تمدن نوین اسلامی بر محور صهیونیسم ستیزی است.

با توجه به پیشینه رویداد، ریشه نقض پیمان و دشمنی یهود بنی‌نضیر با پیامبر را می‌توان در علت

مهاجرت یهودیان به مدینه و عدم ایمان به پیامبر موعود کتاب مقدس جستجو نمود.

بررسی تاریخی سبب نزول سوره نشان می‌دهد که یهود بنی‌نضیر با مشرکان مکه و منافقان

مدینه هم پیمان شده بودند.

با توجه به ژرف ساخت فلسفی جامعه شناسی تاریخ و اثرگذاری تطورات تاریخی گذشته بر تحولات آینده بشریت؛ قوانین حاکم بر تحولات و تطورات تاریخی مسلمانان و یهودیان در قضیه اخراج یهودیان غیر بومی از مدینه همان فلسفه تاریخ و قواعد جامعه شناسی تاریخی است که به عنوان تجارب زیسته امت اسلام مایه اعتبار تاریخی و قرآنی و الگوسازی وحدت آفرین برای وقایع امروز امت واحده اسلام در قضیه ازاله یهودیان غیر بومی فلسطین اشغالی می‌باشد که با بیان ۱۰ تقریب به ذهن راهبردها و اختصاصات جنگ ترکیبی و رویارویی تمدنی با یهودیان خائن صهیونیست در الگوی رفتار تمدنی پیامبر(ص) تبیین شد. برنامه انقلاب اسلامی با متغیر هویتی زمینه‌سازی برای تشکیل دولت کریمه جهت توسعه فاعلیت امت اسلام همراه با صبر تمدنی، لازمه اخراج و مهاجرت معکوس یهودیان صهیونیست غیر بومی فلسطین و زوال رژیم غاصب اسرائیل با متغیر مشروعیت‌زای منجی‌گرایی برای تشکیل دولت ماشیحانی محسوب می‌شود.

قدردانی:

با تشکر از حضرت آیت الله سید مهدی میرباقری که فلسفه تاریخ اجتماعی را در محضر ایشان تلمذ نمودم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ابن اثیر، أبو الحسن علی بن أبی الکریم (۱۴۱۷). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن بابویه شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن سعد، محمد (۱۹۶۸). الطبقات الکبری. بیروت: دار صادر.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). التحریر و التئیر. بیروت: مؤسسه التاریخ.
- ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر (۱۴۰۸). البدایة و النهایة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن هشام، عبد الملك (۱۳۷۵). السیره النبویه. مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده.
- اصفهانى، ابوالفرج، تحقیق سمیر جابر (بی تا). الأغانی. بیروت: دار الفکر.
- اکوایران، گفتگوی بن سلمان با فاکس نیوز: از توافق با ایران و اسرائیل تا تغییر وجه عربستان سعودی، ۲۰۲۳، <https://youtu.be/CYFdIqL75g?feature=shared>
- ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حلبی، علی بن ابراهیم بن أحمد (۱۴۲۷). السیره الحلبیه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حموی، شهاب الدین (۱۹۹۵). معجم البلدان. بیروت: دار صادر.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- سرویس جهان مشرق، قول نتانیاهو به خاخام معروف برای زمینه سازی ظهور+فیلم، ۱۴۰۲/۹/۳، mshrgg.ir/1535973 کدخبر: 1535973
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه. قم: هجرت.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الطبری. بیروت: دار التراث.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. قم: دار الکتب.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). روابط بین الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: انتشارات صدرا.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). شأن نزول آیات قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- مولایی نیا، عزت الله، جزایری، مریم (تابستان ۱۴۰۲). «نقد دیدگاه تاریخی مفسران در تفسیر عبارت لا اول الحشر و ارتباط آن با یهود بنی النضیر»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۴۵
- واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹). کتاب المغازی، بیروت: اعلمی.

ونت، الکساندر (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.

هلال، رضا (۱۳۸۳)، مسیح یهودی و فرجام جهان، قیس زعفرانی، تهران: هلال.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا). تاریخ الیعقوبی. بیروت: دار صادر.

VOA Farsi، بنیامین نتانیاہو: ایران و داعش به دنبال برپایی یک امپراتوری اسلامی در منطقه هستند، ۲۰۱۵.

<https://youtu.be/SIO2HdxMTXg?feature=shared>

Haman Hengam، سخنرانی بنیامین نتانیاہو در کنگره آمریکا در مورد جشن پوریم، ۲۰۱۸

<https://youtu.be/XynHpkTCaLM?feature=shared>

David, Steven R., (2020), Coping with an existential Existential Threat: Israel and Iran under Netanyahu, In Robert O. Freedman (Ed.), Israel under Netanyahu: Domestic Politics and Foreign Policy, (pp. 197-215), USA: Routledge.

Peleg, Ilan, (2000), The Right in Israeli Politics: The Nationalist Ethos in the Jewish Democracy, In Robert O. Freedman (Ed.), Israel's First Fifty Years, (pp. 141-161), USA: University Press of Florida.



پیوست‌ها

پیوست شماره یک در خصوص مکان رویداد تاریخی حشر بنی‌نضیر:



نمایی از بقایای قلعه‌های قبیله بنی‌نضیر در مدینه

پیوست شماره دو در خصوص مکان رویداد تاریخی حشر بنی‌نضیر:



موقعیت غزوه بنی‌نضیر

